

مشاهیر افغانی

مشاهیر افغانستان

بقلم سر ورخان جوبا

(۲)

ابومعشر بلخی

ابو معشر جعفر بن محمد بن عمر از علما و بزرگان نام آوری است که سرزمین زمین بلخ بنام وطنیت او در عالم شان و شهرتی یافته و دستگاه عباسیان در قرن ۳ هجری از وجود چنین منجم معروفی اعتلای مقام و منزلتی داشته .

اگر چه بعضی او را عاقل و فیلسوف خوانده و برخی منجم و مورخش نوشته اند ولی صیت لیاقت و مهارت او در علم نجوم شهره آفاق بوده و بیشتر با اسم منجمی مشهور است .

ابو معشر ابتدا از اصحاب حدیث گفته میشود در جانب غربی بغداد مسکن داشت و با یعقوب ابن اسحاق کندی فیلسوف معروف مخالفت می ورزید و به ایذا و آزارش عوام اناس را برومی تورانید کندی باطناً جمعی را پرو بگماشت تا علم حساب و هندسه را در نظرویی جلوه دهند که ابو معشر به تحصیل آن ها راغب شود ، ابو معشر به تعلیم ریاضی مشغول گشته و پیش از تکمیل آن به تعلیم نجوم پرداخت و دیگر فرصتی نیافت به خاصیت های قدیم توجه کند چه با کندی تا اندازه همکار و هم قطار گردید گویند ابو معشر علوم نجوم را در سن چهل سالگی آموخت با این ، طوری درین رشته دست یافت که اغلب کتب و تذکره های را استاد و پیشوای منجمین عصر خودش یاد کرده اند کارنامه هائی را که در آن اعصار بوی نسبت داده اند ذکر آن درین اوقات خیلی حیرت آور بلکه از جمله قصص غیر قابل قبول شمارش خواهند نمود ، مثلاً گویند وقتی بجرمی از بیم مجازات پادشاهی

در خانه پنهان گشت مجرم بعلتی که از استخراج ابو معشر غرابی دیده بود طشتی را پر از خون ساخته و هاونی طلا روی آن بگذاشت و خودش روی هاون فرار گرفت پادشاه چون از یافتن او عاجز آمد از علم ابو معشر استمداد نمود، ابو معشر پس از استخراج و دقایقی تکفیر در حالت تعجب گفت مقصودم در فراز کوه طلائی که با بحر خون محاط است جا دارد هر چه بخواهش پادشاه در عمل تکرار مینمود همان کیفیت نتیجه استخراج او بود تا آنکه مجرم در انحطاط عفو تقصیر خود را از منادی شنیده و با اطمینان خاطر بحضور پادشاه شناخت و قضیه را باز گفت انوقت صدق اقوال ابو معشر بظهور و ثبوت پیوست ولی معلوم نیست این امر در عصر کدام پادشاهی بوقوع انجامید، ابو معشر چندی نزد المتوفی بالله عباسی برادر المعتمد علی الله منجم بوده و چندی هم در دوره خلافت المستعین بالله نیز درین کار روزگار بسر برده و همچنان که علم او گاه وقتی وسیله عزت او گردید، گاهی هم ذرایع اذیت او را فراهم آورده چنانچه استخراج يك خبری که ذریعه او قبل از وقوع منتشر گردیده بود سبب شد تا ابو معشر را بفرمان مستعین چند تازیانه زده و اذیتش کردند، منجم بلخی پس از یافتن این آزار همیشه این منقوله را تکرار میکرد: حکم صواب را که پادشاه چنان است در حکم خطا چه مکافات خواهم دید ابو معشر متجاوز از یکصد سال عمر داشت و در سال ۲۷۲ هجری وفات یافت تالیفاتی که در نجوم و علوم یافون دیگر از او زیاد گار مانده بتقریب ۴۰ کتاب بشمارند کتاب الطبايع کتاب الالوف، مدخل کبیر، زیج کبیر، دول و ملال، زیج صغیر و مدخل صغیر، زیج هنارات (متجاوز از شصت باب دارد) در اثبات علم نجوم و غیره بعضی تمام و برخی نا تمام کتب بسیار است ولی معلوم نیست چه بطبع رسیده و چه به نسخ، های خطی در اطراف و اکناف عالم پراکنده خواهد بود گویند بالفعل از آثار او در کتابخانه های اروپا دوازده جلد موجود است.

ابو العباس سرخسی، احمد بن محمد بن مروان ابن طیب سرخسی هم یکی از علمای متبحر و نامدار های قرن سوم هجری است که اهمیت مقام و شهرت فضیلت او از افتخار قومیت و ملیش گذشته در قطار

فلاسفه و حکما یا مشاهیر عالم اسلام جا یافته است.

ابوالعباس علاوه بر لیاتی را که در علوم طب و حکمت، فلسفه و ریاضی، هیئت و نجوم دارا بود در ادبیات ید طولانی و از موسیقی هم بهره کافی داشته و از فصیحای عصر خودش بشمار میرفت، ابوالعباس را در بعضی علوم بشاگردی یعقوب ابن اسحاق کنندی نسبت داده و منزلت فلسفی او را مدیون توجه استادی آن فیلسوف مشهور دانسته اند.

سرخسی در ریاضی و منطق و موسیقی بدو آسمت معلمی معتضد بالله عباسی را داشت و بعدها بمروور ایام در نزد خلیفه تقریبی پیدا کرده و از زمره ندیمان خاص بحسات قرار گرفت، همانطوریکه برای عزت و شهرت فوق العاده خود در دستگاه خلیفه تقریب جست بالاخره حیات خویش را نیز در اثر قرب این آتش سوزنده وداع گفت، گویند ابوالعباس در اکثر مسائل سیاست و اداره امور حکومت طرف مشوره خلیفه واقع میشد، و با آنکه ندیم و مشاور عالم و فیلسوفی شناخته شده بود ولی علم او بر عقلش غالب نیامده و به نسبت افنای بعضی اسرار دولتی بغضب خلیفه دچار و در سال ۲۴۶ یا بقولی در ۲۸۶ با سر معتضد بالله عباسی مقتول گردید.

آثار فنی این حکیم معروف در اطراف تمام علوم عقلیه و نقلیه که دانا بوده بالغ بر پنجاه کتاب و رساله بوده بعضاً اختصار کتب حکمای قدیم تر و بسیاری مستقلاً آثار خود اوست علاوه بر برخی مقالات که در رشته نگارش کشیده.

کتاب جبر و مقابله، مدخل در طب، کتاب النفس، الاغنا و ضاعه الجمة الکبیر، غشه الضاعه و الجمة الصغیر نزهت النفوس و ریاضت الصغیر المدخل الی ضاعته النجوم، موسیقی الکبیر، موسیقی الصغیر، مسالک و بحالک، زاد المسافر و خدمت الملوک، منفعت الجبال، ماهیه النوم و الرویا، در عشق، در عقل در فرق بین نحو عرب و منطق، در احداث جو، رد بر جالینوس در محل اول، اخلاق النفس، سیره الانسان، از آثار مشهور و معروف اوست.

